

نشریه پژوهش‌های اقلیم‌شناسی

سال دهم | شماره چهل ام | زمستان ۱۳۹۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

صص ۴۷-۴۱

پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از تغییر اقلیم (مطالعه موردی: خشکسالی و قحطی‌های دوره قاجار)

زهره شیرین بخش*

دکترای تاریخ ایران، پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی

چکیده:

ویژگی‌های جغرافیایی ایران به‌عنوان کشوری که در منطقه نیمه خشک و همواره در معرض کم‌آبی قرار دارد، در طول تاریخ به‌عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در مناسبات قدرت و تحولات اقتصادی و اجتماعی مطرح است. سوانح طبیعی از جمله خشکسالی یکی از پدیده‌های طبیعی است که نقش قابل توجهی در تحولات تاریخی دارد و از قضا به‌طور معمول و با توجه به تمرکز بر وقایع سیاسی، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش پیش رو می‌کوشد با توجه به منابع و مراجع به این موضوع کم و بیش مغفول در مطالعات تاریخی بپردازد. مسأله محوری پژوهش بر این سؤال استوار است که پدیده خشکسالی در دوره قاجار تا چه اندازه جامعه را درگیر خود ساخته و چه پیامدهای اقتصادی و اجتماعی داشته است؟ برای نیل به این پرسش‌ها، این نوشتار به شیوه توصیفی - تحلیلی و به داده‌های کتابخانه‌ای استناد جسته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دوره قاجار، ایران شاهد تغییرات اقلیمی متعددی، از جمله خشکسالی‌های پی در پی بوده که منتج به قحطی‌های گسترده، تضعیف شالوده‌های اقتصادی، وضعیت معیشت جامعه و شورش‌های گسترده شده است.

کلید واژه‌ها: خشکسالی، کم‌آبی، قحطی، قاجار، سوانح طبیعی، تاریخ اجتماعی

مقدمه

جامعه ایران در روزگار قاجار شاهد تحولات گسترده بین‌المللی در عرصه سیاست و اقتصاد بود. از هنگامه‌ها و رقابت‌های تنگاتنگ جهانی میان بازیگران ابرقدرت آن روزگار - روسیه و انگلستان - و تلاش برای افزودن حوزه نفوذ در کشورهای چون ایران، تا انقلاب صنعتی در میانه دوره قاجار که مناسبات اقتصاد سنتی را دگرگون کرد و با تغییر شیوه‌ها و ابزار تولید، به پیامدهای گسترده‌ای، از جمله گسترش استعمار اروپایی در کشورهای آسیایی و آفریقایی منتهی شد. در داخل کشور نیز تاریخ قرن نوزدهم در سایه تحولات بین‌المللی، مرحله‌ای انتقالی از یک جامعه روستایی و توسعه نیافته تا سودای رسیدن به یک جامعه مدرن را زیست؛ مرحله‌ای که حتی تا امروز بسیاری ایران را در تجربه مداوم آن می‌شناسند.

شِمای کلی وضع عمومی اقتصاد ایران در سده نوزدهم / سیزدهم ق نشان از چنین وضعیتی دارد: عدم تحرک اقتصادی، تنزل تولید صنایع محلی نسبت به دوره‌های پیش، انباشت بازارهای ایران از کالاهای مصرفی یا بی‌مصرف خارجی، بحران پولی و تنزل بهای نقره، نبودن راه‌های مناسب برای حمل و نقل و همین‌طور بروز پی در پی بیماری وبا و قحطی که در کاهش جمعیت فعال کشور و به تبع آن، کاهش تولید اقتصادی سخت مؤثر بود. (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶)

در کنار جملگی این تحولات که در پیوند با بی‌عملی و یا سوء تدبیرهای کلان و خرد کار به دستان به وخامت اوضاع دامن می‌زد؛ مختصات اقلیمی و جغرافیایی ایران نیز سبب شد که کشور همواره در معرض بلایا و آسیب‌های طبیعی قرار گیرد. به‌طور کلی ایران از نظر اقلیمی مستعد سی‌نوع بلا و فاجعه از مجموع همه بلایای طبیعی و انسانی شناخته شده و از این نظر در زمره ده کشور نخست جهان به‌شمار می‌رود (محدثی، ۱۳۹۱-۱۳۹۰). در این میان، خشکسالی را شاید بتوان سخت‌ترین بلیه طبیعی دانست که ایران و مردمانش در طول تاریخ با آن پنجه درافکنده‌اند؛ چنان‌که داریوش هخامنشی - پادشاه قدرتمند ایران - آن هنگام که برای سرزمینش دعا می‌کند، از اهورا مزدا می‌خواهد آن را از دو بلا حفظ کند: خشکسالی و دروغ (راشد

محصل، ۱۳۸۰). او در کتیبه «گنجنامه همدان» از جانشینش می‌خواهد، حفر قنات در کشور را در کنار جاده سازی و شهرسازی سرلوحه کار خود قرار دهد (فرشباغ ابریشمی، ۱۳۹۰). این تأکید نشان از شرایط اقلیمی ویژه ایران و دغدغه این حکمران برای تجهیز کشور در مقابل خشکسالی دارد.

خشکسالی عبارت است از کمتر باریدن از متوسط بارش سالانه و توزیع ناموزون بارندگی در منطقه که می‌تواند آثار زیان ویران‌کننده و فاجعه‌آفرین داشته باشد، فعالیت‌های اقتصادی را فلج کرده و شرایط گرسنگی و قحطی را فراهم آورد (کردوانی، ۱۳۸۰). چنان‌که در دوره مورد نظر نیز خشکسالی‌های پی در پی، به مواردی چون قحطی، کاهش بازده اقتصادی و ناآرامی‌های اجتماعی منجر شد.

بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد تا با طرح این پرسش، به بررسی وقوع قحطی در پی بروز خشکسالی در ایران در دوره قاجار بپردازد: پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بروز خشکسالی و قحطی در دوره قاجار کدام‌اند؟ فرض بر این است که با توجه به ساختار معیوب و ناکارآمد سیاسی، بروز تغییرات اقلیمی، از جمله خشکسالی، پیامدهای مخربی بر جامعه ایران در دوره قاجار داشته است.

درخصوص پدیده تغییرات اقلیمی و طبیعی، در دوره‌های تاریخی، علی‌رغم اهمیت موضوع، تحقیقات کمی انجام شده است. مقاله «حوادث و بلایای طبیعی در قرون میانه تاریخ ایران: شعبانی و مهرعلی تبار؛ ۱۳۹۲» چنان‌که از نامش پیداست، به بررسی این موضوع در قرون میانه تاریخ ایران می‌پردازد. همچنین مقاله «سوانح طبیعی؛ نگاهی به پیامدهای اقتصادی خشکسالی، زلزله و سیل در عصر ناصری؛ ۱۳۹۳» با تمرکز بر دوره حکمرانی ناصرالدین شاه قاجار، به تبعات اقتصادی چند پدیده اقلیمی توجه دارد. مقاله «قحطی و گرانی در سال ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸ق: حسینی، ۱۳۷۱» بیشتر بر کمبود ارزاق و گرانی و به دو قحطی بزرگ دوره قاجار می‌پردازد. چنین است کتاب «قحطی‌های ایران، کتابی و کیایی، ۱۳۸۴» که به پدیده قحطی در کل تاریخ ایران پرداخته است.

این موضوع به‌رغم اهمیت، کمتر در پژوهش‌های تاریخی مد نظر بوده است. غلبه نگاه تاریخ نگاری سنتی که عمدتاً بر تاریخ سیاسی و نظامی متمرکز بوده است و بهای چندانی به

سایر جنبه‌های مطالعات تاریخی، از جمله تاریخ اجتماعی و اقتصادی نمی‌دهد، از موانع توجه به چنین مواردی است که با رویکرد نوین در مطالعات تاریخی که در ایران هنوز در مراحل مقدماتی است، تا اندازه‌ای تعدیل شده است.

مقاله پیش رو برای نخستین بار پیامدهای عمده خشکسالی در کل دوره قاجار را مورد بررسی قرار داده است و ضمن برخورداری از ویژگی‌های بررسی تاریخی، به تحلیل داده‌ها نیز توجه دارد. با توجه به کمبود اطلاعات درباره سوانح طبیعی در منابع و مراجع تاریخی، توجه به موضوع قحطی و خشکسالی و پیامدهای آن در برش زمانی مورد نظر، ضمن پر کردن خلاء‌های مطالعاتی موجود به افزایش آگاهی درباره پیامدهای این پدیده کمک می‌کند؛ آنچه هنوز نیز یکی از مخاطرات جدی برای کشور است،

داده‌ها و روش کار

چنان که پیش از این اشاره شد، ایران که در عرض جغرافیایی ۲۵ تا ۴۰ درجه شمالی واقع شده، در نوار خشک و بیابانی قرار دارد. مهمترین عامل مؤثر در خشکی آب و هوای کشور، فشار زیاد مجاور حاره‌ای است. در ایران وسعت مناطق مرطوب و نیمه مرطوب، یعنی مناطقی که متوسط بارش سالانه آن بیش از ۷۰۰ میلی متر و بارندگی در تمام ماه‌های سال در آن صورت گیرد، خیلی محدود است. غیر از مناطق کنار دریای خزر، بقیه مملکت دارای آب و هوای خشک است که به چهار ناحیه نیمه خشک، خشک، نیمه بیابان و بیابان تقسیم می‌شود. (کردوانی، ۱۳۸۰)

در بروز قحطی‌های مکرر در تاریخ ایران، آمیزه‌ای از عوامل طبیعی و تاریخی و اجتماعی نقش دارند. در این پژوهش با تمرکز بر نقش عوامل طبیعی به‌ویژه خشکسالی در بروز قحطی‌های دوره قاجار، ابتدا به مهمترین این قحطی‌های اشاره می‌کنیم و در ادامه نگاهی اجمالی به پیامدهای این پدیده خواهیم داشت.

* ۱۲۰۲ق / ۱۷۸۷م: قحطی در اصفهان به حدی رسید که مردم به‌جای نان از علف و تخم استفاده می‌کردند و اطفال اسم نان را فراموش کرده بودند (جناب، ۱۳۰۳).

* ۱۲۲۵ق / ۱۸۱۱م: در پی قحطی در کاشان و اصفهان، فتحعلی شاه قاجار حدود صد هزار تومان تخفیف مالیاتی به این مناطق داد. این تخفیف با توجه به تأکید حکمرانان قاجار بر دریافت مالیات‌های هنگفت و عدم نظارت دقیق در نظام مالیات ستانی که در موارد متعدد به اجحاف و تعدی منجر می‌شد، نشان از وخامت اوضاع اقتصادی در پی قحطی دارد؛ چنان که شاه را ناگزیر به وضع تخفیف مالیاتی می‌کند.

* ۱۲۳۱ق / ۱۸۱۶م: قحطی در کاشان مردم را به آدمخواری واداشت، به طوری که گزارش شده که اعضای خانواده یکدیگر را می‌خوردند (ناطق، ۱۳۵۴). در سال بعد حدود ۱۰۰۰۰ نفر در این شهر قحطی زده از گرسنگی تلف شدند (سیف، ۱۳۸۷).

* ۱۲۷۳ق / ۱۸۵۶م: قحطی بزرگ در آذربایجان به شورش‌های عمومی منجر شد (کتابی، ۱۳۸۴).

* ۱۲۷۷-۱۲۷۸ق / ۱۸۶۰-۱۸۶۱م: در این دوره به سبب قحطی در تهران و سایر شهرهای ایران، شورش‌ها و بی‌نظمی‌هایی رخ داد (ایوانف، ۱۳۵۷). اعتراض مردم گرسنه در ناآرامی‌های تهران شدت یافت و با وجود ناخشونودی شاه آرام نشد. مردم به سفارتخانه‌های روس و انگلیس پناه برده و آن‌ها را برای حل مشکل کمبود نان واسطه قرار دادند (محمود، ۱۳۵۳). بروگش خاورشناس آلمانی و سفیر پروس در دربار ناصرالدین شاه که دو بار به ایران مسافرت کرده، با اشاره به بارش مختصر و نقش خشکسالی در بروز این قحطی و عوارض آن می‌نویسد: «باران کمی دیر آمده بود و اگر زودتر از این‌ها می‌آمد، از خشکسالی و به هدر رفتن گندم کاری و گرانی قیمت گندم و نان جلوگیری می‌کرد، یک من نان که در سال ۱۸۵۹م فقط پنج شاهی قیمت داشت، امسال بر اثر خشکسالی و قحطی به ۱۲ شاهی خریداری می‌شد و باز هم به اندازه کافی موجود نبود». در ادامه نیز به گرانی مصنوعی اشاره دارد که به دنبال این خشکسالی توسط محترکین بازار به‌وجود آمد (بروگش، ۱۳۶۷).

نابسامانی اوضاع باعث شد که تبریز را حالت نیمه قیام فراگیرد. مردم گرسنه به ساختمان‌های دولتی حمله کردند و سراسر ایالت ناامن شد (سیف، ۱۳۷۳). در سال ۱۸۶۴م اثر خشکسالی و قحطی به‌عنوان مانعی برای پیشرفت و رشد

شهر در طول سی سال گذشته به چشم ناظران خارجی می‌آمد (ابوث، ۱۳۹۶).

قحطی در تهران و مازندران شدیدتر بود و به حالت بحرانی رسید. نبودن راه و وسایل حمل و نقل مناسب، واردات مواد غذایی را غیرممکن می‌ساخت و آن اندازه نیز که وارد می‌شد، به‌درستی توزیع نمی‌شد. مرگ و میر چهارپایان و فقدان سیستم حمل و نقل کارآمد، هزینه حمل و نقل را تا ۱۳۵ درصد افزایش داد. در نتیجه قحطی، فعالیت اقتصادی و تجاری در تهران به شدت مختل شد. در مازندران قیمت گندم ۱۳ برابر قیمت معمول شد. کاهش سرمایه انسانی و مادی، وجود مناطق متروک و مهاجرت از ایران به کشورهایی چون هندوستان از پیامدهای این قحطی سراسری است (سیف، ۱۳۷۳).

* ۱۲۸۵-۱۲۸۸ ق / ۱۸۶۹-۱۸۷۲ م: این برش زمانی، دوره قحطی‌های بزرگ و سراسری در ایران است که بر اساس یک برآورد، جمعیت کشور حدود ده درصد کاهش یافت و موجی از دهقانان و پیشه‌وران در پی کسادی کسب و کار ناشی از این قحطی به روسیه (ماوراء قفقاز) مهاجرت کردند (ایوانف، ۱۳۵۷). خشکسالی و قحطی‌های بزرگ سال‌های ۱۸۶۹-۱۸۷۲ م در کنار کاهش شدید تولید ابریشم در سال ۱۸۶۴ م، دو ضربه عمده بر اقتصاد کشور طی دوره قاجار محسوب می‌شود (فوران، ۱۳۹۲). توان اقتصادی کشور در ظرف بیست سال، از ۱۸۶۴ تا ۱۸۸۴ م. در اثر همین دو عامل، کاملاً تحلیل رفته بود (کرزن، ۱۳۸۷).

در این میان، قحطی سال ۱۲۸۸ ق. بسیار گسترده بود و اثرات مخرب زیادی برجای گذاشت. مستوفی الممالک درباره قحطی بزرگ این سال می‌نویسد: «سال قحطی عمومی ایران است. از یکی دو سال پیش کم بارانی شروع و گرانی و تنگی خواروبار خودنمایی می‌کرد، ولی در زمستان ۱۲۸۷ باران هیچ نبارید و مایه‌های سنواتی هم تمام شده بود». بنا بر قول وی، به‌واسطه این خشکسالی و قحطی، قیمت نان در تهران که در اوایل سال قبل بیش از منی، شش هفت شاهی نبود، افزایش یافت و به قرار یک من، یک قران رسید و در زمستان ۱۲۸۸ قیمت نان چنان افزایش یافت که حکومت مجبور شد برای تنظیم بازار از روسیه و حاجی طرخان آرد وارد کند (مستوفی، ۱۳۷۷).

سبب این قحطی چنان که روایت شده، خشکسالی و برودت هوا توأمان بود: «دو چیز مایه این قحطی و غلا و رنج و عنا آمد: اما اول، سه سال متوالی بود در بیشتر امصار و بلدان ایران در بهار و زمستان رعدی نخروشید، برقی ندرخشید، ابری نخاست، شاخی نجست، گیاهی نرست. ... اما دوم برودت هوا و سردی شتا، که به این جهت تسدید شوارع شد و تفقید قوافل». در ادامه نویسنده ضمن توصیف شدت خشکسالی و سرما در قم، حکایت‌های رعب آوری از خوردن اطفال، میت و گربه در قم و تلف شدن مردم در پی این قحطی نقل می‌کند. به روایتی، در پی این قحطی، تنها در وشنوه - یکی از روستاهای قم - جمعیت از ۱۲۰۴ نفر به بیست نفر رسید (فیض قمی، ۱۳۸۱).

گزارش‌هایی از عماد الدوله حاکم کرمانشاه از امکان شورش مردم در ارتباط با بالا رفتن قیمت نان و تدابیر مقابله با این شورش در دست است. بر اساس اسناد، مناطقی مانند یزد، کرمان، کاشان، اصفهان و خراسان وضعیت وخیم‌تری داشتند. در مشهد از هر صد خانوار، هشتاد نفر آن مرحوم و متفرق شدند. در یزد بیست هزار نفر از بین رفته و سی هزار نفر متفرق شدند. در اصفهان روزی ده - بیست نفر در معابر و بازار می‌مردند. در تهران وضع به همین منوال بود. اجساد در گوشه و کنار خیابان مانند سنگ و کلوخ افتاده بودند. حتی بعضی از افراد نزدیک به دربار هم مصون نبودند. کثرت تلفات و عدم امکان دفن اموات و فقدان امکانات بهداشتی مناسب شیوع وبا را در پی داشت. بعضی از شهرها دست‌کم تا یک سوم جمعیت خود را فقط در اثر شیوع وبا از دست دادند (حسینی، ۱۳۷۱).

مجموعه کاهش جمعیت کل ولایات خراسان در سال ۱۲۸۸ ق. حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر تخمین زده شده است. قحطی بر حیات اقتصادی، بازرگانی، وضعیت روستاها و شهرها، به‌ویژه در ولایات جنوبی و مرکزی تأثیر مخرب و چشمگیری داشت. تلف شدن احشام در ولایات مرکزی و جنوبی خراسان، ابتیاع غله از ولایات شمالی خراسان را محدود می‌کرد. خشک شدن مزارع و توتستان‌ها، مرگ و میر در مناطق شهری و روستایی، مهاجرت گسترده و نیز فروش دختران فقیر نواحی جنوبی و مرکزی به نواحی شمالی این ولایت، در برابر چند بار غله، گوشه‌ای از

پیامدهای این خشکسالی و قحطی است (دانشیار و کاظم بیکی، ۱۳۹۴).

البته نباید از نظر دور داشت که تنها عامل طبیعت در بروز این صدمات دخیل نبود. به عنوان مثال، در قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ ه. ق. غیر از عامل طبیعت به عنوان عامل اولیه، عوامل و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی همچون احتکار، حاکمیت استبداد، فقدان همدلی بین مردم و حاکمان و بی‌کفایتی و سوء سیاست عمال حکومت نیز نقش تأمل برانگیزی داشت (کتابی، ۱۳۹۰). در همین مورد، برخی محققان، قحطی سال ۱۲۸۸ را غیر از کمبودهای فصلی در مقدار بارش به مشکلات درازمدت کشاورزی ایران نسبت می‌دهند که البته این مشکلات نیز غیرمستقیم به موضوع کم آبی مربوط است؛ مواردی چون فقدان سرمایه‌گذاری برای حفظ و گسترش نظام‌های آبیاری، به‌ویژه قنات، تخصیص نابهنجار منابع تولید، یعنی گسترش تولید و فرآورده‌های نقدینه آفرین در شرایطی که کشاورزی ایران کمتر از زمان دیگری توان این کار را داشت؛ بدین ترتیب که تا قبل از سال ۱۸۵۶ م. عمده‌ترین فرآورده نقدینه آفرین ابریشم بود که در گیلان تولید می‌شد؛ ایالتی که در آن کشاورزی به آبیاری مصنوعی وابسته نبود، اما پس از سالیان سال که بیماری کرم ابریشم، تولید ابریشم ایران را بسیار کاهش داد، این روند تغییر کرد. مقدار بارش سالیانه در مناطق شمالی برخلاف بیشتر مناطق ایران، برای کارهای کشاورزی کافی بود، در نتیجه تا قبل از افت شدید تولید ابریشم، مناطق دیگر این امکان را داشتند که آب و زمین را صرف تولید مواد غذایی کنند. اما پس از سقوط تولید کرم ابریشم، ایران به یک‌باره از آن منبع ارزی محروم شد و وظیفه تولید فرآورده‌های نقدینه آفرین به گردن مناطق مرکزی و جنوبی افتاد که نه آب کافی داشتند و نه از نظام‌های آبیاری‌شان چیزی باقی مانده بود. در این مناطق، مرغوب‌ترین زمین‌ها به کشت تریاک، پنبه و تنباکو اختصاص یافت و تخصیص زمین‌های نامرغوب به کشت مواد غذایی سبب شد که مقدار محصول سالیانه بی‌ثبات‌تر و بیشتر به باران وابسته شود. از این رو، خشکسالی این سال‌ها در سال ۱۲۸۸ ق. خود را به صورت قحطی بزرگ نشان داد (سیف، ۱۳۷۳).

فوران در تأیید این تحلیل بر این باور است که روی آوردن دهقانان به محصولات پولی (قابل فروش) در این روند - آن‌هم در اقتصادی که تولید مواد غذایی مازاد چندانی نداشت - در دوره‌های خشکسالی مشکلات بیشتری برای مردم به وجود آورد. فوران (۱۳۹۲) کدی می‌نویسد: قحطی که در میان انبوه مشکلات دوران قاجار از همه بدتر و فجیع‌تر بود، نتیجه چند سال خشکی و کاهش محصولات کشاورزی، تبدیل گندمزار به کشت خشخاش و پنبه برای صادرات و صدور مواد غذایی به خارج برای کسب درآمد بیشتر بود و همه این‌ها کشور را در برابر قحطی و گرسنگی آسیب پذیرتر کرد. کدی (۱۳۸۱)

* ۱۲۹۶ ق/ ۱۸۷۸ م: به دنبال کم بارانی شدید تهران و ورامین، قحطی و خشکسالی روی داد. این وضعیت در کل کشور شیوع یافته بود. رودخانه‌ها خشک و قنات‌ها کم آب بودند. در ورامین آفت سن خوارگی هم مزید بر علت شده بود. طبق روال معهود که در خشکسالی‌ها اتفاق می‌افتاد، بهای گندم و نان افزایش یافت و حدود سیصد هزار نفر جمعیت تهران در خطر گرسنگی قرار گرفتند (فرمانفرما، ۱۳۷۷).

تنها در دوره ناصرالدین شاه قاجار، غیر از دو خشکسالی بزرگ سال‌های ۱۲۷۷ ق. و ۱۲۸۸ ق.، خشکسالی‌های پراکنده دیگری در نقاط مختلف کشور، از جمله آذربایجان، فارس، کرمان، یزد، کرمانشاه و حتی رشت به وقوع پیوست که کمبود و گرانی ارزاق، از مشخصه‌های آن بود (شعبانی مقدم و دهقان نژاد، ۱۳۹۳).

* ۲۱-۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۳-۱۹۰۴ م: در آستانه انقلاب مشروطه، در ایران قحطی رخ داد که بر اثر آن احتکار و از بین رفتن مصنوعی غله رواج یافت. این وضعیت به شورش مردم و غارت انبارها و دکان‌های احتکار غله و گوشت انجامید که برخی ناظران از آن با عنوان «عصیان گرسنگان» در شهرهای بزرگ ایران، از جمله تهران، اصفهان و مشهد یاد کرده‌اند (ایوانف، ۱۳۵۷). این وضعیت به نوعی در شورش‌های منجر به انقلاب مشروطه مؤثر بود. در قحطی‌های آستانه انقلاب مشروطه که به بحران نان نیز ختم شد، عوامل مختلف، از جمله ناآرامی‌های داخلی، احتکار گندم، فقدان سیستم حمل

و نقل مناسب و فساد اداری نیز در کنار خشکسالی نقش داشتند (کریمی، ۱۳۸۵).

* ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش: به علت کمبود نان و ارزاق ناشی از قحطی در اصفهان، شورش عظیمی برپا شد که در آن زنان نقش محوری داشتند. به دستور حکمران شهر، به روی مردم آتش گشوده شد، چند نفر زخمی شدند و سپس جمعیت متفرق شد (عاقلی، ۱۳۶۹). در جریان این بلوا، کفیل بلدیه اصفهان به طرز فجیعی به قتل رسید و انجمن ایالتی و ولایتی و عدلیه شهر مورد تخریب قرار گرفت (کتابی، ۱۳۸۴).

* ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: این قحطی که در زمان احمد شاه قاجار اتفاق افتاد، تا سال‌ها بعد در خاطر مردم ماند، به طوری که از آن سال به عنوان سال «مجاعه» (از ریشه جوع به معنای گرسنگی) و یا سال «دمپختکی» یاد می‌شد و تا مدت‌ها حوادث و وقایع ماقبل و مابعد قحطی را از نظر زمانی با معیار آن می‌سنجیدند و مثلاً می‌گفتند که فلان شخص در سال مجاعه به دنیا آمد (کتابی، ۱۳۸۴). برای مقابله با قحطی و کمبود مواد غذایی در تهران، دولت روزانه سی تن برنج به صورت دمپختک به مردم فقیر می‌داد. در اسفند سال ۱۲۹۶، در کرمانشاه مردم گرسنه به داکین و خانه‌ها یورش برده و آن‌ها را غارت کردند، بلوا با مداخله پلیس و مجروحان و مصدوم شدن عده زیادی از مردم پایان یافت (عاقلی، ۱۳۶۹). علی‌رغم تلفات انسانی کمتر در این قحطی نسبت به قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ق، باز هم در اصفهان شمار تلفات انسانی قحطی ۱۲۹۶ش، حدود ۳۰۰۰۰ نفر برآورد شده است (جابری انصاری، ۱۳۲۱).

نتایج

چنان که آمد، با بروز قحطی‌های ناشی از خشکسالی در ایام مختلف، کشور از جنبه‌های مختلف دچار صدمه و آسیب می‌شد. مهمترین این آسیب‌ها را می‌توان بدین ترتیب برشمرد:

۱-۳ تلفات انسانی و کاهش جمعیت:

در کشوری که به قول میرزا ابراهیم نواب بدایع نگار - از منشیان دولتمردان عهد قاجار - «اگر سالی باران کم بارید یا

به نوغان آفتی رسید، مملکت زیر و رو می‌شود» (آدمیتو ناطق، ۱۳۵۶)، تصور صدمات جبران ناپذیر به اقتصاد کشور، در پی بی‌آبی و کم‌آبی، چندان دشوار نیست. مرگ و میر نیروی انسانی مولد کشور بالتبع تأثیر سوء بر فعالیت اقتصادی و حیات اجتماعی برجای می‌گذاشت. معمولاً هنوز تأثیر یک خشکسالی از میان نرفته بود که خشکسالی و قحطی دیگری از راه می‌رسید و بر وخامت اوضاع می‌افزود. افزون بر آن، گاه، کاهش جمعیت در پی مهاجرت نیروی انسانی مولد به خارج از کشور رخ می‌داد. به‌علاوه شیوع بیماری‌های همه‌گیر همچون وبا در قحطی‌ها، به‌عنوان عامل مضاعف در مرگ و میر جمعیت مؤثر بود.

۲-۳ بحران معیشت و کمبود نان و آذوقه در سراسر کشور

وقوع شورش‌های اجتماعی گسترده، تخریب ساختمان‌های دولتی و موارد مانند آن از دیگر پیامدهای این قحطی‌هاست.

نتیجه‌گیری و بحث

خشکسالی به‌عنوان یک پدیده اقلیمی تکرار شونده در طول تاریخ ایران، در تحلیل تحولات تاریخی حائز اهمیت است. بر اساس شواهد و مدارک تاریخی می‌توان به تأثیرات سوء این پدیده اقلیمی در برش زمانی دوره قاجار پی برد. چنان که اشاره شد مرگ و میر و تلفات انسانی گسترده به دلایلی چون کمبود و گرانی نان، غله و مواد غذایی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر، وقوع شورش‌های پی در پی در نقاط مختلف کشور، رویارویی مردم و حکومت و مهاجرت نیروی انسانی مولد از مهمترین عوارض و پیامدهای این بلیه بوده است. ضمن آن‌که سوء تدبیر حکام و ناتوانی در مدیریت بحران اغلب در تشدید نتایج ناگوار خشکسالی و قحطی عاملی درخور توجه و تعمق است.

با توجه به مجموعه موارد مطرح شده و اثرات زیانبار اجتماعی و اقتصادی خشکسالی و امکان بروز قحطی‌های سراسری در آینده در صورت تداوم این پدیده، نیاز به سیاستگذاری‌های کلان مدیریتی در این عرصه به شدت احساس می‌شود. توجه به تنوع اقلیمی کشور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مناطق مستعدتر می‌تواند مانع از بروز اثرات

بسیار محتمل است و می‌تواند به یکی از چالش‌های بزرگ حکام مبدل شود.

منابع

1. Aboth, Keith Edward. (2017), "Cities and Trade of Iran in the Qajar Period", translated by Abdolhossein Raees Sadat, Amirkabir: Tehran.
2. Adami, Fereydoun and Homa Nategh. (1977), "Social, political and economic thoughts in unpublished works of the Qajar period", Agah: Tehran.
3. Aqeli, Baqir. (1990), "Diary of the History of Iran from the Constitution to the Revolution", Vol. 1, Goftar Publishing, Tehran.
4. Jaberi Ansari, Mohammad Hassan Khan. (1942), "History of Isfahan and Rey and the whole world", by Manouchehr Sotoudeh, University of Tehran, Tehran.
5. Bruges, henrich. (1988), "Journey to the court of Sultan Sahebqaran", translated by Kordbacheh, vol. 1, Ettelaat Publications: Tehran.
6. Curzon, George Nathaniel. (2008), "Iran and the Case of Iran", translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani, Vol. 1, Scientific and Cultural Publications: Tehran.
7. Daneshyar, Morteza and Mohammad Ali Kazem Beyki. (Spring and Summer 2015), "The famine and famine of 1288 AH in Khorasan: context, trends and economic consequences", Motaleate eslami, tarikh va farhang, Year 47, Vol. 94, pp. 113-135.
8. Faiz Qomi, Mirza Ali Akbar. (2002), research: Mohammad Sardroodi, "Details of the famine events of 1288 Qom", Mirase Shahab, Spring 2002, Vol. 27, pp. 63-81.
9. Farmanfarma, Firooz Mirza. (1998), "Government Letters", edited by Fathollah Keshavarz, National Archives of Iran, Tehran.
10. Farshbaf, Farshad. (2011), "Translation of Achaemenid inscriptions: from Cyrus to the speech of Darius", House of History and Silk Image: Tehran.
11. Foran, John. (2013), "Fragile Resistance in the History of Social Developments in Iran", translated by Ahmad Tadayon, Rasa Cultural Services Institute: Tehran.
12. Hosseini, Robab. (1992), "Famine and high prices in 1287 and 1288 AH years", GANJINE-YE ASNAD, Fall and Winter 1992, pp. 7 and 8, pp. 47-63.
13. Ivanov, Mikhail Sergeyeovich. (1978), "Iranian Constitutional Revolution", translated by Azar Tabrizi, Shabgir: Tehran.
14. Jenab, Mirsaid Ali, (1303). "Al-Isfahan", first lithographic edition, reprinted by Mohammad Reza Riazi, Cultural Heritage Organization: Tehran.
15. Karimi, Behzad. (2006), "Bread Crisis in the Constitutional Period", Roshde amoozeshe tarikh, Summer 85, Vol. 23, pp. 46-54.
16. Keddie, Nikki. (2002), "Iran during the Qajar period and the rise of Reza Khan", translated by Mehdi Haghightakha, Qoqnu Publications, Tehran.
17. Kitabi, Ahmad. (2005), "Famines of Iran", Cultural Research Office: Tehran.
18. Kitabi, Ahmad. (Spring and Summer 2011), "An Introduction to the Study of the Social Causes of Famines in Iran", Case Study of General and Great Famine 1288 AH/1294AH, Jamee pajoohe farhangi, Institute of Humanities and Cultural Studies, Vol. 2, No. 1, pp. 169-190.
19. Kordvani, Parviz. (2001), "Drought and ways to deal with it in Iran", Institute of Publishing and Printing, University of Tehran: Tehran.
20. Mahmoud, Mahmoud. (1975), "History of Iran-Britain Political Relations", Volume 2, Iqbal Publications: Tehran.
21. Mostoufi, Abdullah. (1998), "My biography or social and administrative history of the Qajar period", Vol. 1, Zavar: Tehran.

22. Muhaddisi, Hassan. (2012-2013), "Iran is a land of disaster and the search for salvation", Iran Perspective Monthly Bimonthly, Vol. 72, pp. 10-15.
23. Nategh, Homa. (1354), "From us that is upon us", Agah: Tehran.
24. Rashed Mohassel, Mohammad Taghi. (2001), "Inscriptions of Iran", Iran Research Office: Tehran.
25. Seif, Ahmad. (1994), "Iran's economy in the nineteenth century", Cheshmeh Publishing, Tehran.
26. Seif, Ahmad. (2008), "Lost Century", Ney Publishing: Tehran.
27. Shabani Moghadam, Adel and Morteza Dehghannejad. (Spring and Summer 2014), "Natural Disasters; A Look at the Economic Consequences of Drought, Earthquake and Flood in the Nasserite Era", Journal of Social and Economic History of the Institute of Humanities and Cultural Studies, Third Year, No. 1, pp. 111-137.